

مدلیابی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی در چشم‌انداز مشارکت سیاسی با میانجی‌گری روابط موضوعی

* سیدفرزاد طباطبایی میر

** محمدابراهیم مداحی

*** حسن احدی

چکیده

استواری نظام‌های سیاسی بر پایه میزان مشارکت افراد جامعه است و این میزان مشارکت افراد تابع بسیار مهمی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شخصیتی و تعاملی است. از این‌رو، این پژوهش با هدف بررسی تعیین چشم‌انداز مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی‌گری روابط موضوعی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات صورت پذیرفت. این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی مبتنی بر روش مدلیابی معادلات ساختاری است. در این پژوهش تعداد ۵۰۰ دانشجوی به‌عنوان حجم نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه شخصیتی نئو، پرسشنامه روابط موضوعی بل و همکاران (۲۰۰۸)، پرسشنامه مشارکت سیاسی فرج‌زاده استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدل پژوهش تأیید شد و به‌طور کلی تقریباً نیمی (۴۳٪) از مشارکت سیاسی توسط ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی قابل تبیین است. همچنین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی اثر مستقیم معنادار دارند و مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری روابط موضوعی اثر غیرمستقیمی بر مشارکت سیاسی نشان دادند. نتایج این پژوهش بر ضرورت الگوهای ارتباطی موضوعی در زمینه‌ای از ویژگی‌های سرشتی افراد در فعالیت‌های کلان اجتماعی و ملی تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی، روابط موضوعی

* سیدفرزاد طباطبایی میر دکترای تخصصی روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

Farzad.tabatabai@gmail.com

اسلامی، تهران، ایران

Maddahi.phd@gmail.com

** محمدابراهیم مداحی استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

Ahadi.dr@gmail.com

*** حسن احدی استاد دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۸

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودویک، تابستان ۱۳۹۸، صص ۸۰-۵۳

مقدمه

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد (امینی‌کسبی و نرگسیان، ۱۳۹۴). دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند و از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد (Wang and Shalaby, 2018). از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی، ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است (نظری، ۱۳۹۰).

در این بین ویژگی‌های شخصیت مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها که مشابهت و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند، مشخص می‌کند (Gallgo & Oberski, 2012). می‌توان بین تفاوت‌های فردی در خصوصیات شخصیتی، پنج بُعد عمده را منظور کرد. روان رنجورخویی^۱ (N) بر تجربه اضطراب، ترحم‌جویی، خصومت و تکانش‌وری اشاره می‌کند، در حالی که برون‌گرایی^۲ (E) به تمایل فرد برای

1. Gordon

2. Extroversion

مثبت بودن، جرئت‌طلبی و صمیمی بودن اشاره می‌کند. پذیرش^۱ (O) تمایل فرد برای کنجکاوی، هنرمندی و خردورزی اطلاق می‌شود، درحالی‌که سازگاری^۲ (A) تمایل فرد برای مهربانی، سخاوت، همدلی و اعتمادورزی را نشان می‌دهد (Weinschenk, 2017). سرانجام به تمایل فرد برای منظم بودن و اینکه وظیفه‌شناسی^۳ (C) به کارا بودن، قابلیت اعتماد، خود نظم‌بخشی و منطقی بودن اطلاق می‌شود، می‌پردازیم (Zhang et al, 2017).

روابط موضوعی و واقعیت آزمایشی کارکردهای ایگو هستند که در کانون زندگی روان‌شناختی سلامت قرار دارند و در آسیب‌شناسی روانی مهم تلقی می‌شوند و تعارض میان سطوح ناهشیار و هشیار ذهن است و سانسور در سطح نیمه‌هشیار اعمال می‌شود (Russo and Amna, 2016). اما تعارض در مدل ساختاری میان ساختارهای روان‌شناختی ذهن در سطح ناهشیار است و سرکوبی نیز در همان سطح ناهشیار رخ می‌دهد و در مدل ساختاری، تعارض میان آید و سوپرایگو یا آید و واقعیت با میانجی‌گری ایگو رخ می‌دهد (Gallego & Oberski, 2012). با این تغییر، ایگو به جای آید، نقش حیاتی در عملکرد روان‌شناختی ذهن را برعهده می‌گیرد، سلامتی و بیماری شخصیت تابعی از توانایی ایگو برای اداره مناسب فشار آرزوهای متأثر از غرایز برای تخلیه است، به گونه‌ایی که در تضاد شدید با محدودیت‌های دنیای واقعی و سوپر ایگو نباشد (Ha, Kim, & Jo, 2013). توانمندی ایگو به ظرفیت ایگو برای اداره تقاضاهای متعارض سوپر ایگو و مقتضیات واقعیت بیرونی بستگی دارد و به میزانی که ایگو قادر به ایجاد تعادل کارکردی نباشد، شخصیت درگیر بیماری خواهد بود. نظریه‌های روابط موضوعی بخشی از یک جنبش بزرگ‌تر است که هدف آن جایگزینی نظریه غریزه با یک مدل روانکاوی ارتباطی است (Caspi, Liviatan & Roccas, 2016).

به طور کلی بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در اداره امور می‌تواند یکی

-
1. Openness
 2. Agreeableness & Lyness
 3. Conscientiousness

از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد. سیاسی‌بودن دانشجوی در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد، نسبت به مسائل داخلی، خارجی و جریان‌های موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشد؛ ازجمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است (پناهی، ۱۳۸۸). مطالعات متعددی درباره مشارکت و فعالیت‌های سیاسی، چگونگی تغییر و تحول آن در نسل‌های مختلف و نیز علل کاهش آن در چند سال گذشته انجام شده است و این یافته‌ها نشان می‌دهد که از دو دهه گذشته انگیزه مشارکت سیاسی (به‌ویژه در غرب) کاهش یافته است (Page, 2017). ضرورت مطالعه انگیزه مشارکت سیاسی و عوامل تشکیل‌دهنده آن را بیشتر از پیش ساخته است و به‌رغم علاقه آشکار به ویژگی‌های نسل کنونی دانشجویان و نیز سطوح نگرش و مشارکت سیاسی آن‌ها، پژوهش‌های کمی در این باره وجود دارد (امینی‌کسبی و نرگیسیان، ۱۳۹۴). در این میان، توافق عمومی و گسترده‌ای می‌توان کشف کرد که با شناخت مدلی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی افراد فعالیت‌های سیاسی و گرایش آن‌ها را به گروه‌های سیاسی و نیز نوع فعالیت‌ها را با وضوح بیشتری تبیین و انحراف از معیار جلوگیری کرد. باوجوداین، مطالعه درباره ویژگی‌های شخصیتی و نقش آن‌ها در مشارکت سیاسی هنوز به‌خوبی روشن نشده و نیازمند پژوهش‌های بیشتری است (Dins, Waldschmidt, Sturm and Karačić, 2017)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد با اجرای این پژوهش در دو زمینه مبانی نظری شناخت علل گرایش‌ها، مشارکت‌ها و نیز راهکارهای عملی حاصل از یافته‌های علمی و تجربی به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر در توسعه سیاسی، نتایج قابل‌ملاحظه‌ای به دست آید. همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به‌عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجوی در این زمینه به عهده دارد، به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. بر پایه مطالب بالا مسئله اساسی پژوهش، کشف مدلیابی مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی بر اساس مؤلفه‌های روان‌شناختی که در پژوهش حاضر شامل خصوصیات شخصیتی و روابط موضوعی است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مشارکت سیاسی

مشارکت واژه‌ای عربی است از ریشه «شرك» و «شركت» به معنای «انبازی» و حصه‌برداری. در زبان انگلیسی، از مشارکت به «Participation» تعبیر شده که به معنای شریک‌شدن، دخالت‌کردن و شریک‌کردن است. واژه «مشارکت» در اصطلاح علوم سیاسی معانی گوناگونی دارد. بر همین اساس، در کتاب‌های گوناگون با تعاریف متفاوتی آمده است. آنچه از اجمال همه تعاریف به دست می‌آید، این است که دخالت مردم یا دست‌کم درگیر شدن آن‌ها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه یا حتی اختیاری و غیراختیاری را مشارکت نام نهاده‌اند. برخی از تعاریف‌ها نیز فقط به شعار آگاهانه‌بودن و برخی به اختیاری‌بودن اهمیت داده و مشارکت سیاسی را در آن قالب تفسیر کرده‌اند. البته تعاریف گوناگونی برای «مشارکت سیاسی» ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. مشارکت سیاسی مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی، سیاسی و تأثیرگذاری بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است.

ب. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.

ج. مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (Dynes, Hassell and Miles, 2016).

به‌طورکلی و با توجه به تعاریف‌های ارائه‌شده باید گفت: «مشارکت سیاسی فعلی است که فقط با اراده نفسانی محقق نمی‌شود، بلکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می‌شود» (Joly, Hofmans and Loewen, 2018).

۱-۱-۱. مبادی و مبانی مشارکت سیاسی

درباره مبانی و مبادی رفتار مشارکتی شهروندان، چهار رویکرد اساسی وجود دارد

که موجب چهار منبع متمایز در تولید کنش سیاسی مشارکتی می‌شود (Russo and Amna, 2016).

نخستین دیدگاه قابل اشاره، ریشه روان‌شناختی دارد. این رویکرد که به نظریه نخبه‌گرایی مشهور است، مبتنی بر آرای پارتو، موسکا و دیگر نخبه‌گرایان است. «نظریه نخبه‌گرایی عمدتاً مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود نموده و از توده‌ها، تصویری غیرفعال و ابزار دست نخبگان ارائه می‌دهد» (Alam, 2018). در حالی که نخبه‌گرایان، مشارکت سیاسی را به عقاید فعالان نخبه سیاسی محدود کرده و در ورای قانون الیگارشی، هیچ نظم سیاسی را نمی‌پذیرند. رویکرد دوم به جامعه‌شناسی فرهنگی تکیه دارد. آلموند و وربا، چند کشور پیشرفته و کلیفورد گیدنز، فرهنگ‌های آفریقایی و آسیایی را با توجه به این دیدگاه مورد مطالعه قرار دادند. در این دیدگاه، بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی، لزوماً رابطه علی و ساختاری برقرار می‌شود. رویکرد سوم که به جامعه‌شناسی اقتصادی تمسک بسته است، هرگونه رفتار و کنش سیاسی را در چارچوب خشک روابط، شیوه تولید و تحولات اقتصادی جستجو می‌کند. بدین لحاظ، مشارکت سیاسی در رویکرد مارکسیستی به معنای آگاهی طبقاتی از وضعیت خود است که سرانجام آن، سیاسی شدن طبقه استثمارشده و انقلاب علیه طبقه حاکم است (Ha, Kim and Jo, 2013).

دیدگاه چهارم که در مقابل سه دیدگاه بالا قرار دارد، به تقدم نظام سیاسی بر فرهنگ و عقاید سیاسی نظر دارد. این رویکرد که به ماکیاولی نسبت داده می‌شود، عظمت هر ملتی را در آزادی و فضیلت شهروندانش می‌داند؛ اما این پرسش مطرح می‌شود که چه کسی می‌تواند آزاداندیشی و فضیلت را در جامعه ایجاد کند؟ توده مردم که فضیلت ندارد، رهبران والامنش که بر اساس بخت، در لحظات حساس تاریخی ظهور می‌نمایند، همیشه ممکن نیست، پس چه باید کرد؟ ماکیاولی برای فرار از بن‌بست بالا، دو راه حل (قانون خوب و دین کارآمد) را پیشنهاد می‌دهد. اگرچه بازگشت ماکیاولی به دین با رویکرد ابزاری است، ولی به هر حال ایشان راز موفقیت و عظمت جمهوری‌های رومی را نقش فعال و مثبت نهادهای مذهبی

می‌داند که فضیلت و خیر عمومی را در جامعه منتشر و نهادینه می‌کردند.
(Brandstätter and Opp, 2014).

۱-۲. مفهوم شخصیت

کوب شخصیت^۱ به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش استفاده می‌کردند. پرسونا (نقاب) به ظاهر بیرونی، ظاهر علنی که افراد به دور و بر خود نشان می‌دهند، اشاره دارد؛ بنابراین بر اساس ریشه شخصیت، شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل‌رؤیت ما اشاره دارد (Block and Block, 2006)؛ اما شخصیت تنها به نقابی که بر چهره می‌زنیم و نقشی که بازی می‌کنیم، اشاره ندارد. هنگامی که از شخصیت سخن می‌گوییم ویژگی‌های متعدد فرد، کلیت یا مجموعه خصوصیات گوناگون که از ویژگی‌های جسمانی فراتر می‌رود را به حساب می‌آوریم. این واژه تعداد زیادی از خصوصیات ذهنی و هیجانی را دربر می‌گیرد، خصوصیات که ممکن است نتوانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم و فرد شاید سعی کند آن‌ها را از ما مخفی کند یا شاید ما از دیگران مخفی کنیم. در لغت‌نامه وارن تعریف شخصیت چنین آمده است: شخصیت به جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیک یک فرد گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر به مجموعه مؤلفه‌هایی که انسان را سر پا نگه می‌دارد، شخصیت گفته می‌شود. در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده، اما اشاره‌ای به یکپارچگی این عوامل و پویایی آن‌ها نشده است (Ribeiro & Borba, 2016).

۱-۲-۱. نظریه‌های شخصیت

الف) نظریه گوردن آلپورت

شخصیت آمادگی‌هایی برای پاسخ‌دادن به شیوه یکسان یا مشابه به محرک‌های مختلف است؛ به عبارت دیگر، ویژگی‌های شیوه‌های باثبات و بادوام واکنش نشان‌دادن به محیط هستند. آلپورت در فرهنگ کامل ویژگی‌های خود، بیش از ۴۵۰۰ صفت شخصیتی را برمی‌شمرد. او برای سامان‌دادن اصطلاحات مختلفی که

برای توصیف شخصیت می‌شد، ویژگی‌های شخصیتی را به سه دسته اصلی تقسیم کرد که عبارتند از (۱) ویژگی‌های اصلی: ویژگی‌های اصلی از ویژگی‌های دیگر قوی‌تر و غالب‌ترند. این ویژگی‌ها بر شخصیت آدم‌ها سایه می‌افکنند؛ اما به نظر آپورت، عده کمی از آدم‌ها عملاً واجد ویژگی‌های اصلی هستند. (۲) ویژگی‌های مرکزی: این ویژگی‌ها نیز کم هستند. آپورت معتقد بود مردم ۶ تا ۱۲ صفت مرکزی دارند. برای مثال، شخص می‌تواند مهربان، شوخ‌طبع، شلخته یا حسرت‌خوری باشد. (۳) ویژگی‌های ثانویه: ویژگی‌های ثانویه هم تعداد معینی دارند ولی در شناخت شخصیت، از همه کم اهمیت‌ترند. این ویژگی‌ها، نگرش‌ها و ترجیحات خاصی مثل سلايق غذایی یا موسیقایی را پوشش می‌دهند (Nauta, 2004).

(ب) نظریه ریموند کتل

ویژگی‌ها را به صورت گرایش‌های نسبتاً دائمی و اکنش نشان دادن که واحدهای ساختاری بنیادی شخصیت هستند، تعریف کرد. او ویژگی‌ها را به چند طریق طبقه‌بندی کرد: ویژگی‌های مشترک و ویژگی‌های منحصربه‌فرد؛ ویژگی‌های توانشی، خلقی و پویشی؛ ویژگی‌های سطحی و عمقی؛ ویژگی‌های سرشتی و ویژگی‌های محیط ساخته.

ویژگی‌های مشترک و منحصربه‌فرد: صفت مشترک، صفتی است که هر کس تا اندازه‌ای از آن برخوردار است. هوش، برون‌گرایی و معاشرتی بودن نمونه‌هایی از ویژگی‌های مشترک هستند. هرکسی از این ویژگی‌ها برخوردار است، ولی برخی افراد بیشتر از دیگران از آن‌ها برخوردارند. هوش می‌تواند نمونه‌ای از صفت توانشی باشد. ویژگی‌های خلقی به زندگی هیجانی فرد و سبک‌رفتاری او مربوط است (Nauta, 2004).

ویژگی‌های سطحی و عمقی: ویژگی‌های سطحی ویژگی‌های شخصیتی هستند که با یکدیگر همبستگی دارند، ولی یک عامل را تشکیل نمی‌دهند؛ زیرا منبع واحدی آن‌ها را تأمین نمی‌کند. برای مثال، چند عنصر رفتاری مانند اضطراب، تردید و ترس غیرمنطقی با هم ترکیب می‌شوند تا صفت سطحی به نام روان‌رنجور

خوبی را تشکیل دهند. ویژگی‌های عمقی، بیانگر ارتباط و پیوند بین رفتارهایی است که باهم تغییر می‌کنند تا یک بعد واحد و مستقل شخصیت را به وجود آورند (حسینی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

پ) نظریه هانس آیزنک

آیزنک در نتیجه تلاش‌هایش، نظریه شخصیت که مبتنی بر سه بعد است و به صورت ترکیبات ویژگی‌ها یا عوامل توصیف می‌شوند را ارائه داد. این سه بعد شخصیت عبارتند از: E برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی؛ N بی‌ثباتی (روان‌رنجورخویی) در برابر ثبات هیجانی؛ P روان‌پریش خوبی در برابر کنترل‌تکانه؛ یعنی تعامل بعد درون‌گرایی / برون‌گرایی با بعد ثبات / بی‌ثباتی. آیزنک معتقد بود ترکیب‌های مختلف این ابعاد، ویژگی‌های شخصیتی معینی ایجاد می‌کنند (حسینی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

ت) نظریه رابرت مک‌کری و پل کاستا

مدل پنج عاملی رابرت مک‌کری و پل کاستا از تحلیل عوامل برای دستیابی به نظریه پنج عاملی استفاده کردند. این پژوهشگران با ترکیب تمام یافته‌های پژوهشی پیشین و فهرست طولانی صفت‌های شخصیت احتمالی دریافتند که حتی اگر آزمون‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرند، غالباً صفت‌های مشخصی به دست می‌آیند. این پنج بعد عمده شخصیت که اغلب «پنج عامل عمده» نامیده می‌شوند عبارتند از: ۱) روان‌رنجور خوبی: افرادی که در سطح بالای روان‌رنجور خوبی قرار می‌گیرند، از نظر هیجانی ناستوار و مستعد ناامنی، اضطراب، احساس گناه، نگرانی و نوسان خلق هستند. افرادی که در انتهای دیگر این عامل قرار می‌گیرند، از نظر هیجانی استوار، آرام، یکنواخت، آسان‌گیر و آسوده هستند. ۲) برون‌گرایی: این عامل از یک‌سو، بین افرادی که اجتماعی، خونگرم، پرحرف، خوش‌گذران و عاطفی هستند و از سوی دیگر، افراد درون‌گرایی که گوشه‌گیر، آرام، منفعل و خوددار هستند، فرق می‌گذارد. ۳) گشودگی نسبت به تجربه: افرادی که در این عامل در سطح بالایی قرار می‌گیرند، خیال‌پرداز، کنجکاو و گشوده نسبت به افکار تازه و علاقه‌مند به امور فرهنگی هستند. در مقابل، افرادی که نمره‌های پایینی

کسب می‌کند، سنت‌گرا، واقع‌بین، دارای علایق محدود و غیر هنرمندانه هستند. (۴) وظیفه‌شناسی: این عامل از یک‌سو، با صفت‌هایی مانند مسئول، خویشتن‌دار، منظم و موفق و از سوی دیگر، با صفت‌هایی مانند غیرمسئول، بی‌توجه، تکانشی، تبیل و غیرقابل‌اعتماد در ارتباط است. (۵) خوشایندی: افرادی که در این عامل در سطح بالایی قرار می‌گیرند، خوش‌طینت، گرم، نجیب، دارای حس همکاری، خوش‌بین و خیرخواه هستند، درحالی‌که افرادی که در این عامل نمره‌های پایینی می‌گیرند، تحریک‌پذیر، اهل بحث‌وجدل، بی‌رحم، بدگمان، فاقد حس همکاری و کینه‌جو هستند (Russo and Amna, 2016)؛ حسنی و میرآقایی، (۱۳۹۱). این عوامل از طریق فنون ارزیابی از جمله پرسشنامه‌های خودسنجی، آزمون‌های عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران تأیید شدند. پژوهشگران بعدها آزمون شخصیتی را به نام پرسشنامه شخصیت نیو ساختند که از سرواژه‌های به‌دست‌آمده از حروف اول سه عامل اول برای اسم آن استفاده شده است. یافته‌های باثبات عوامل یکسان از روش‌های ارزیابی مختلف، حکایت از آن دارند که می‌توان روی این عوامل به‌عنوان جنبه برجسته شخصیت حساب کرد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶).

با این دید، ویژگی‌های شخصیت بیشتر متأثر از عوامل زیستی است تا محصول تجربه‌های زندگی و شکوفایی تمایلات اساسی به‌وسیله محیط. به‌عکس، این تمایلات در طول زندگی فرد، هم بر خودپنداره و هم بر ویژگی‌های مربوط به سازگاری تأثیر می‌گذارد که شامل نگرش‌ها، اهداف شخصی، باورهای خودکارآمدی و ویژگی‌های دیگری است. هم صفت سازگاری و انطباق و تصمیم‌هایی را که فرد در زندگی اتخاذ می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌دهند و زندگی‌نامه واقعی وی منعکس می‌شوند (جان و پروین، ۱۳۹۴).

۱-۳. مفهوم روابط موضوعی

نظریه‌های روابط موضوعی از نظر مفاهیم کلیدی، مفروضه‌ها و اصول، متفاوت و اغلب سردرگم‌کننده هستند و هضم آن‌ها بسیار دشوار است، در نتیجه ما نمی‌توانیم در مورد یک نظریه روابط موضوعی واحد صحبت کنیم. در کل تفسیرهای زیادی در مورد گرایش نظریه‌های روابط موضوعی داده شده است. گرینبرگ و میچل

(۱۹۸۳)، نظریه‌های روابط موضوعی را بخشی از یک حرکت وسیع‌تر در جهت جابه‌جا کردن نظریه سائق با یک مدل ارتباطی روان‌تحلیلی در نظر می‌گیرند، کرنبرگ (۱۹۸۴) و وینی‌کات (۱۹۶۰) مفاهیم روابط موضوعی را چیزی بیشتر از نظریه سائق و قابل کاربرد برای اختلالات هیجانی ابتدایی‌تر می‌دانند و بکال و نیومن (۱۹۹۰)، نظریه‌های روابط موضوعی را پلی به سمت روان‌شناسی خود در نظر می‌گیرند (Fominaya, 2016).

نظریه‌پردازان روابط موضوعی وجوه اشتراک مختلفی دارند. همه آن‌ها بر تأثیر مشتقات مراحل رشدی اولیه بر شکل‌گیری دستگاه روانی تمرکز می‌کنند. آن‌ها به رشد و تحول نرمال و آسیب‌شناختی خود و شکل‌گیری هویت علاقه‌مند هستند و همه آن‌ها یک جهان درونی شده روابط موضوعی را به‌عنوان بخشی از مفهوم‌سازی‌شان از دستگاه روانی پذیرفته‌اند. این نظریه‌ها، رشد و آسیب‌شناسی را محصول درونی‌سازی روابط بین فردی اولیه در نظر می‌گیرند. در نتیجه، درمان بر ظاهر شدن این درونی‌سازی‌ها در شکل رابطه با موضوع تأکید می‌کند (Fominaya, 2016). از طرفی نظریه‌های روابط موضوعی متفاوت هستند؛ به طوری که هر نظریه روابط موضوعی دیدگاه متفاوتی در مورد عوامل محوری در رشد و آسیب‌شناسی و اینکه هر نظریه تا چه اندازه با نظریه سنتی سائق‌محور فروید هماهنگ یا با آن در تضاد است؛ یعنی چقدر این نظریه‌ها، سائق‌ها را به‌عنوان سیستم انگیزشی رفتار انسان در نظر گرفته و چقدر از این مسئله فاصله می‌گیرند. از این دیدگاه، کلاین، همچنین ماهرل و جیکوبسن در یک‌سر این قطب قرار می‌گیرند که نظریه سائق‌محور فروید را با یک رویکرد روابط موضوعی ترکیب کرده‌اند. در سوی دیگر این قطب، فربرن و سالیوان قرار می‌گیرند که روابط موضوعی را به‌عنوان سیستم انگیزشی عمده، جایگزین سائق‌های فروید کرده‌اند. وینی‌کات، لئووالد و سندلر، یک وضعیت میانه را دنبال کردند؛ آن‌ها ساختار عاطفی رابطه مادر-نوزاد را به‌عنوان یک عامل حیاتی در شکل‌گیری رشد سائق‌ها در نظر گرفتند (Khan et al, 2016).

نظریه‌پردازان مختلف همچنین در رابطه با این مسئله که تا چه اندازه انتقال را

فعال‌شدن تعارض‌های درونی بیمار تفسیر کنند یا اینکه تا چه حد انتقال متقابل و شخصیت درمانگر را در شکل‌گیری انتقال دخیل بدانند، متفاوت هستند. مکتب بین‌فردی، رابطه دونفره درمانگر و بیمار را به‌عنوان یک تجربه جدید و رشددهنده در نظر می‌گیرند که سهم مهمی در تحلیل تعارض‌های ناخودآگاه بیمار دارند. کلاین، جیکوبسن، ماهر و کرنبرگ، رویکردی نزدیک به حالت کلاسیک دارند که بر جنبه‌های تعارضی درون‌روانی انتقال و استفاده محدود از عناصر انتقال متقابل تأکید دارند. روان‌تحلیل‌گران بین‌فردی، افرادی چون گاتریپ (کسی که از فربرن و وینی‌کات تأثیر پذیرفته است)، گرینبرگ و میچل تأکید زیادی بر تأثیر دوجانبه انتقال و انتقال متقابل و جنبه واقعی تعامل‌های درمانی که از شخصیت درمانگر ریشه می‌گیرند، کرده‌اند (Khan et al, 2016).

نظریه روابط موضوعی از دید کرنبرگ عموماً عبارت است از مطالعه روانکاوانه روابط بین شخصی و بررسی چگونگی رشد ساختارهای درون‌روانی بر مبنای روابط پیشین درونی‌شده فرد با دیگران. او این تعریف عمومی را هم در معنای وسیع و هم در معنای محدودتر آن مورد استفاده قرار می‌دهد. به‌طورکلی، نظریه روابط موضوعی ناظر بر نظریه‌ای عمومی درباره ساختارهایی ذهنی است که از تجارب بین شخصی تأثیر می‌پذیرند. بر اساس این تعریف کلی، روانکاوی به‌مثابه یک نظریه عمومی می‌تواند نظریه روابط موضوعی را دربر گیرد؛ بدین ترتیب دیگر به نظریه‌ای جداگانه در باب روابط موضوعی نیازی نخواهد بود. در معنایی محدودتر، نظریه روابط موضوعی رهیافتی محافظه‌کارانه در دل سنت روانکاوی است که بر شکل‌گیری و تکوین ساختارهای روانی بر اساس موضوع‌های درونی (به عبارتی، بازنمایی‌های خود که با بازنمایی‌های موضوع‌گه خورده‌اند) تأکید و تمرکز دارد (Gerber et al, 2011).

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات علمی و تجربی درباره ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی در مشارکت سیاسی بسیار اندک و اغلب نیز محدود به نقش برخی ویژگی‌های خاص

است (گالگو و اوبرسکی^۱، ۲۰۱۲). جولی، هافمنز و لویون^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که ایدئولوژی‌ها و ویژگی‌های مرتبط با شخصیت افراد با میزان تعاملات و ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه بسیار نزدیکی را سبب گردد. رسو و آما^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده تعاملات و مشارکت سیاسی می‌تواند باشد و این ویژگی‌ها نشان‌دهنده‌ای از وظیفه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی دارا است. ها، کیم و جو^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی روابط بسیار تعیین‌کننده‌ای را با یکدیگر دارا می‌باشند و در این میان شواهدی از وجود سطوح و سبک‌های ارتباطی از خویشتن می‌توان به‌عنوان عوامل تسهیلگر در نظر گرفته شوند. وانگ و شلابی^۵ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه با مشارکت سیاسی در افراد با استفاده از چارچوب درک از روابط بین فردی و پیش‌زمینه‌های درک از هویت رابطه وجود دارد.

به باور بسیاری از صاحب‌نظران (برن اشتاتر و اوپ^۶، ۲۰۱۴، داینس، هاسل و مایلز^۷، ۲۰۱۶، سینگدو و فالت^۸، ۲۰۱۷، پرسون^۹، ۲۰۱۲، کم^{۱۰}، ۲۰۱۲) سطح مشارکت و فعالیت‌های سیاسی در دو دهه گذشته کاهش داشته و نوعی عدم احساس مسئولیت نسبت به امور و فرایندهای سیاسی و نیز بی‌مسئولیتی نسبت به مسائل سیاسی جامعه به وجود آمده است؛ اما کمتر پژوهشی به مبانی روان‌شناختی این پدیده توجه و تلاش کرده است تا آن را بر پایه مبانی روان‌شناختی رفتار، به‌ویژه ساختار شخصیت و روابط اولیه توصیف و تبیین کند.

-
1. Gallego & Oberski
 2. Joly, Hofmans&Loewen
 3. Ha, Kim&Jo
 4. Brandstätter&Opp
 5. Dynes, Hassell & Miles
 6. Swyngedouw & Phalet
 7. Michel Person
 8. Kam

۳. روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مقطعی و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) به‌طور خاص، معادلات رگرسیونی بود. این روش یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های بررسی روابط علت و معلولی است به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات هم‌زمان متغیرها را باهم نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۹۳). جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تشکیل می‌دهد. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر (هومن، ۱۳۹۳) و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۵۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب خواهند شد. پس از تعیین تعداد نمونه، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

۳-۱. ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه شخصیتی نئو NEO: سؤالی (فرم تجدیدنظرشده) ساخته مک‌کری و کاستا، (۱۹۹۲) می‌باشد و این آزمون دارای ۶۰ سؤال است که پنج عامل روان‌رنجورگرایی، برون‌گرایی، گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (McCrae and Costa, 2004). نئو دارای دو فرم خودگزارش‌دهی^۱ (S) و فرم درجه‌بندی مشاهده‌گر^۲ (R) است. در فرم ۶۰ گویه‌ای برای هر زیرمقیاس ۱۲ ماده (توصیف‌کننده رفتار) است که در مقیاس ۵ امتیازی (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. کلید سؤالات روان‌آزردگی: ۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۶، برون‌گرایی: ۲ و ۷ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۷ و ۵۲ و ۵۷،

1. Self-Report

2. Rating Observer

انعطاف‌پذیری: ۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۸، سـازگاری: ۴ و ۹ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۹، وجدان‌گرایی: ۵ و ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۶۰ است. ضرایب همسانی درونی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخوبی) تا ۰/۸۳ (باوجدان بودن) گزارش شده است (McCrae and Costa, 2004). مطالعه شری و دیگران^۱ (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه‌شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد. ضرایب همسانی درونی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخوبی) تا ۰/۸۳ (باوجدان بودن) گزارش شده است (همان). مطالعه شری و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد.

پرسشنامه روابط موضوعی (BORRTI): این پرسشنامه که توسط بل^۲ و همکاران (۱۹۸۶) ساخته شده است، در سنجش کارکرد ایگو (کیفیت روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی) ریشه دارد که پیش‌تر توسط بلک^۳ و همکاران (۱۹۷۳) شکل گرفته بود. این آزمون در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی در آسیب‌شناسی روانی و رفتار بهنجار کاربرد یافته است (Li and Bell; 2008). پرسشنامه بالا ۹۰ گویه دارد که به صورت بله/خیر پاسخ داده می‌شود، ۴۵ گویه آن، چهار عامل بیگانگی (۱۴، ۸، ۵، ۸۹، ۳۲، ۵۴)، دل‌بستگی ناایمن (۴۸، ۵۹، ۶۸، ۸۰)، خودمیان‌بینی (۲۸، ۶، ۶۲، ۷۱) و بسی‌کفایتی اجتماعی (۷۳، ۲۵، ۶۶، ۶۱، ۳۹، ۳۶، ۲۲، ۲۰، ۱۶، ۷۸) برای روابط موضوعی و ۴۵ گویه دیگر سه عامل تحریف واقعیت (۸۳، ۸۴، ۹۰)، عدم قطعیت ادراک (۷، ۳۵، ۷۵، ۸۶) و هذیان و توهم (۱۰، ۴۶ و ۶۷) برای واقعیت‌آزمایی را پوشش می‌دهد. ضرایب پایایی بازآزمایی را ۰/۶۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند. ضرایب پایایی بازآزمایی

1. Sherry et al

2. Bell et al

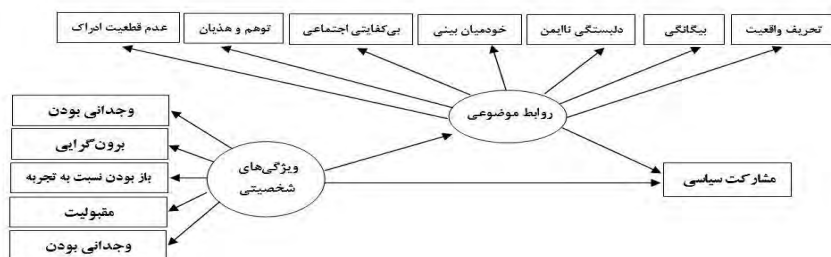
3. Bellak

واقعیت‌آزمایی ۰/۶۳ و ۰/۶۴ به دست آمد و تمامی خرده‌مقیاس‌ها و شاخص اعتباری BORRTI از همسانی درونی (به روش آلفای کرونباخ) و پایایی بازآزمایی مناسب برخوردار بودند (هادی‌نژاد، طباطبائیان و دهقانی، ۱۳۹۳).

پرسشنامه استاندارد مشارکت سیاسی: دارای ۲۶ پرسش است و در مجموع سطوح زیر را می‌توان برای مشارکت سیاسی در اهداف این ابزار برشمرد: حق رأی و شرکت در انتخابات؛ حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی؛ حق کاندیداتوری در انتخابات و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری. این پرسشنامه دارای یک نمره کلی است و از طریق طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. به‌منظور بررسی روایی این پرسشنامه ابتدا طی جلسات متعدد با کمک استاد راهنما به انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری‌شده از بین شاخص‌های حاضر در پرسشنامه‌های موجود و آزمون‌شده قبلی اقدام شد. علاوه بر آن، تمامی گویه‌های استخراج‌شده در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آن‌ها بر گویه‌ها مبنی بر معتبر بودن سنجش مورد نظر بود. در پژوهش فرج‌زاده (۱۳۹۳)، پایایی این پرسشنامه در پژوهش مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان با آلفای کرونباخ $\alpha = 0/86$ محاسبه شده است. با توجه به این‌که معمولاً پایایی فراتر از ۰/۷۰ مطلوب است، می‌توان استنباط کرد که پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش، پایایی نسبتاً بالایی دارند (فرج‌زاده، ۱۳۹۳).

بر اساس مفاهیم بیان‌شده مدل زیر بر اساس مبنای نظری موجود و نتایج پژوهش‌های قبلی که به آن‌ها اشاره شد، به‌عنوان مدل مفروض ترسیم می‌شود.

شکل ۱. مدل پژوهش



۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۱۸ و AMOS ۲۳ استفاده شد.

۴-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه از طریق دو پرسش جنسیت و وضعیت تحصیلی مورد سنجش قرار گرفت که تعداد و درصد فراوانی آن‌ها در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک (جمعیت‌شناختی)

متغیرها	عوامل جمعیتی	تعداد	درصد
جنسیت	مؤنث	۳۱۰	۶۲
	مذکر	۱۹۰	۳۸
وضعیت تحصیلی	لیسانس	۳۵۱	۷۰/۲
	فوق لیسانس	۱۰۵	۲۱
	دکتری	۴۴	۸/۸

با توجه به جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه نمونه در حیطه سنی و جنسیتی نشان داده می‌شود.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

در ابتدا با بررسی پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از آزمون‌های کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، کولموگروف-اسمیرنوف داده‌های پرت شناسایی، سپس با استفاده از آزمون ماهالانوبیس^۱ داده‌های پرت حذف شد و با تعداد ۴۸۲ نمونه نهایی گردید. همچنین پس از بررسی نرمالیتی داده‌ها، مدل اندازه‌گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تأیید شد. همچنین نتایج میانگین واریانس‌های استخراجی^۲ (AVE) نشان می‌دهد تمامی زیرمقیاس‌های مشارکت سیاسی، ویژگی‌های

1. Mahalanobis test

2. Average extraction variances

شخصیتی و روابط موضوعی در مدل اندازه‌گیری مقادیر به‌دست‌آمده آن از حد معیار ۰/۵ بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده روایی از نوع همگرا است، همچنین اعتبار مرکب (اعتبار سازه) نشان‌دهنده آن است که مقادیر به‌دست‌آمده از مؤلفه‌ها از حد معیار ۰/۰۷ بیشتر است و بنابراین موضوع AVE و CR (پایایی سازه)^۱ پرسشنامه‌ها تأیید می‌شود.



جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
روان‌رنجوری	۳۶/۵۰	۷/۲۲	۱												
برون‌گرایی	۳۳/۷۰	۶/۱۸	-.۳۳**	۱											
انعطاف‌پذیری	۳۷/۶۲	۶/۸۰	-.۱۹**	.۵۶**	۱										
سازگاری	۳۶/۸۰	۷/۳۷	-.۲۸**	.۴۹**	.۳۷**	۱									
وجدانی‌بودن	۳۸/۴۴	۶/۹۷	-.۳۱**	.۱۴*	.۳۸**	.۳۴**	۱								
بیگانگی	۲۹/۷۴	۴/۳۸	.۱۷**	-.۱۷**	-.۱۷**	-.۳۴**	-.۲۹**	۱							
دل‌بستگی ناایمن	۳۱/۷۳	۳/۹۰	.۲۰**	-.۲۴**	-.۲۲**	-.۳۴**	-.۲۱**	.۳۷**	۱						
خودمیان‌بینی	۲۷/۸۷	۴/۸۴	.۲۱**	-.۱۸**	-.۱۹**	-.۲۴**	-.۱۶**	.۴۵**	.۵۱**	۱					
بی‌کفایتی اجتماعی	۳۵/۳۵	۷/۸۹	.۱۸**	-.۳۱**	-.۲۰**	-.۱۹**	-.۱۴**	.۴۹**	.۶۰**	.۵۷**	۱				
تحریف واقعیت	۳۷/۴۵	۵/۵۶	.۲۲**	-.۲۹**	-.۲۴**	-.۲۳**	-.۱۶**	.۴۴**	.۴۴**	.۵۴**	.۴۴**	۱			
عدم قطعیت ادراک	۳۱/۰۳	۶/۷۲	.۲۶**	-.۲۰**	-.۱۹**	-.۲۱**	-.۲۴**	.۵۷**	.۳۹**	.۴۸**	.۵۴**	.۵۷**	۱		
هذیان و توهم	۳۰/۷۹	۶/۲۱	.۲۹**	-.۱۷**	-.۲۸**	-.۱۸**	-.۲۷**	.۵۱**	.۴۸**	.۳۹**	.۶۱**	.۴۵**	.۵۴**	۱	
مشارکت سیاسی	۷۵/۶۶	۳۴/۱۴	-.۱۷**	.۱۶**	.۱۹**	.۲۱**	.۲۴**	-.۱۷**	-.۱۹**	-.۲۴**	-.۱۸**	-.۱۷**	-.۱۷**	-.۲۰**	۱

* P<0/01 ** P<0/05

نتایج مندرج در جدول ۲ همبستگی معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی با مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد و در سطح ۰/۰۱ وجود دارند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها پس از یک مرحله اصلاح

نام آزمون	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده قبل از تصحیح	مقدار به دست آمده پس از تصحیح
χ^2/df	< ۳	۳/۷۱	۲/۸۸
χ^2	-	۳۳۴/۵۲۱	۲۵۴/۰۴۱
DF	-	۹۰	۸۸
RMSEA	< ۰/۱	۰/۰۵۲	۰/۰۴۷
GFI	> ۰/۹	۰/۹۰۶	۰/۹۶۶
NFI	> ۰/۹	۰/۸۹۸	۰/۹۵۷
CFI	> ۰/۹	۰/۸۹۲	۰/۹۴۱

مطابق جدول ۲ مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۷ می‌باشد، لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان‌دهنده میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و قابل قبول می‌باشد. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۲/۸۸) بین ۱ و ۳ است و میزان شاخص GFI، CFI و NFI نیز تقریباً برابر و بزرگ‌تر از ۰/۹ می‌باشد که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب است.

جدول ۴. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)

متغیر	b	β	R ²	معناداری
روان‌رنجوری بر مشارکت سیاسی	-۰/۲۱	-۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۳۱
برون‌گرایی بر مشارکت سیاسی	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۰۶	۰/۰۰۲
انعطاف‌پذیری بر مشارکت سیاسی	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۲۸
سازگاری بر مشارکت سیاسی	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۱۰	۰/۰۰۰
وجدانی‌بودن بر مشارکت سیاسی	۰/۶۷	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۰۰۰
روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴

با توجه به جدول ۴ مسیرهای تیپ ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی با اثر مستقیم معناداری بر مشارکت سیاسی دارا هستند.

جدول ۵. برآورد غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ^۱

معناداری	حد بالا	حد پایین	B	متغیر
۰/۰۰۲	-۰/۲۲۳	-۰/۱۴۲	-۰/۱۹۶	روان‌رنجوری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	۰/۲۹۴	۰/۳۴۱	برون‌گرایی با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۴	۰/۲۷۱	۰/۱۸۶	۰/۲۳۶	انعطاف‌پذیری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۳۱	۰/۴۱۰	۰/۳۰۴	۰/۳۹۷	سازگاری با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	۰/۱۵۹	۰/۱۸۳	وجدانی‌بودن با میانجی‌گری فرایند روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، از مسیر غیرمستقیم در نظر گرفته‌شده با توجه به مقادیر استاندارد شده (β)، استاندارد نشده (b) و (R^2) به‌دست آمده، مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی، با توجه به مقدار به‌دست‌آمده دارای اثرات معنی‌داری می‌باشند و با توجه به روش برآورد بوت استرپ مورد تأیید واقع شد.

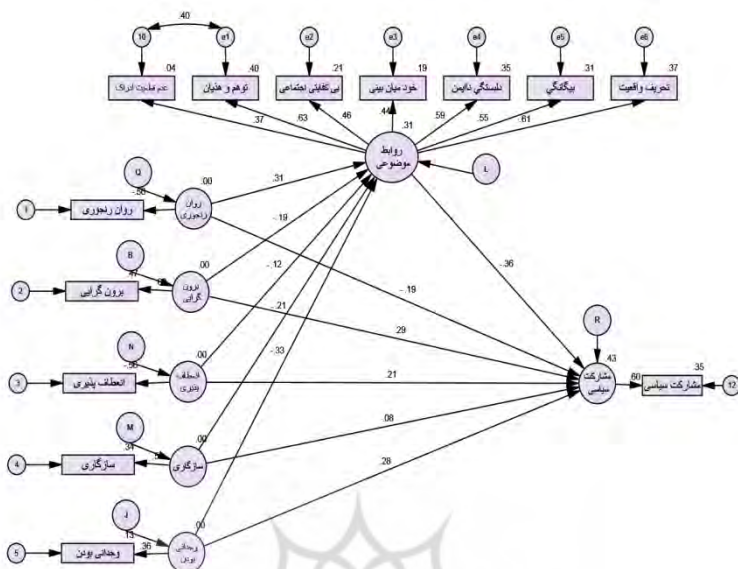
لازم به ذکر است که در مدل نهایی برای ایجاد متغیرهای نهفته، ضروری است نشانگرهای چندگانه از هر کدام از متغیرها وجود داشته باشد. معمولاً از زیرمقیاس‌های سنج‌ها به‌عنوان نشانگرهای جداگانه معرف سازه استفاده می‌شود، اما در برخی موارد، زیرمقیاس‌های چندگانه معرف سازه خاص وجود ندارد. در آن صورت از بسته‌های آیتم^۲ که توسط راسل، کاهن، اپوت و آلت‌میر^۳ (۱۹۹۸) توصیف شده است، استفاده می‌گردد و در این پژوهش نیز از این روش برای تحلیل متغیر ویژگی‌های شخصیتی با توجه به اینکه به همبستگی معکوس بین خرده‌مقیاس‌های آن امکان قرارگرفتن در یک متغیر پنهان را دارا نبودند، در نهایت جهت بهبود واریانس کلی مدل با توجه به روش راسل در متغیر پنهان قرار داده شدند.

1. Bootstrap

2. Item Parcels

3. Russell, Kahn, Spoth and Altmeier

نمودار ۱. مدل نهایی مسیرهای آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده



نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین چشم‌انداز مشارکت سیاسی بر اساس نقش ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی بود و این پژوهش گویای آن است که ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی اثر غیرمستقیم دارا است. با توجه به مدل نهایی تحقیق به‌طور کلی متغیر برون‌زا توان پیش‌بینی درصدی متغیر مشارکت سیاسی را دارا است و به‌طور کلی مدل پژوهش مورد تأیید واقع شد. مقدار اثر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی در این مسیر به ترتیب برابر با ۰/۴۳ است که بسیار قابل توجه و اثرگذار بر مشارکت سیاسی است که از یک طرف می‌تواند بسیار تحت تأثیر مؤلفه‌هایی باشد که ویژگی‌های شخصیتی شامل آن می‌گردد. این ویژگی‌ها دارای ابعاد مختلفی هستند و مقوله‌هایی چون وجدانی بودن برون‌گرا، بازبودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را دربر می‌گیرند. این نتایج در جهت روابط این متغیرها با یکدیگر همسو با یافته‌های رجب‌لو و حسین پناهی (۱۳۹۶)، نظری (۱۳۹۰)، وانگ و شلابی (۲۰۱۸)، جولی، هافمنز و لویون (۲۰۱۸)، وینشنک و داوس (۲۰۱۷)،

وینشنک (۲۰۱۷)، رسو و آما (۲۰۱۶)، برن اشتاتر و اوپ (۲۰۱۴)، داینس، هاسل و مایلز (۲۰۱۶)، کراندوک و ورمیولن (۲۰۱۸)، مازونی و همکاران (۲۰۱۸)، آلام (۲۰۱۸)، سینگدو و فالت (۲۰۱۷)، دینز، والدشمیت، استورم و کاراسیچ (۲۰۱۷)، ماسویکوا، گووس و گوردون (۲۰۱۷)، گریمز (۲۰۱۷)، توامس (۲۰۱۷)، جول، هافمنز و لویون (۲۰۱۸) است. ارتباطات میان فردی و رسانه‌ها دو جریان اصلی در آگاهی‌بخشی درباره مسائل سیاسی و شکل‌گیری اطلاعات، نگرش و ارزش‌های سیاسی و در نتیجه کنش و مشارکت سیاسی هستند. اگر قدرت ارتباطات میان فردی را با قدرت رسانه‌ها در مسائل سیاسی مقایسه کنیم، باید گفت که بر اساس برخی نظریه‌های ارتباطی و نیز تلقی عمومی با توجه به کم‌شدن نقش ارتباطات میان فردی و اتمیزه‌شدن انسان‌ها در جوامع مدرن، رسانه‌های جمعی قدرت بیشتری یافته‌اند و منبع اصلی کسب اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و جهت‌دهی به افکار عمومی شده‌اند. در عین حال، همین رسانه‌های به‌ظاهر قدرتمند در بسیاری از مواقع مغلوب جریان «ارتباطات میان فردی» می‌شوند.

از میان نظریه‌هایی که به مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، در این پژوهش نظریه‌های اجتماعی-اقتصادی انتخاب شده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، موقعیت اجتماعی-اقتصادی افراد، مانند جنسیت، سن، تحصیل، شغل، طبقه و درآمد، گروه و ارتباطات اجتماعی تعیین‌کننده میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی است، البته تأکید ما بر عواملی همچون گروه و ارتباطات اجتماعی است. بعضی از نظریه‌های مهم این دسته به شرح زیر است: بر پایه این نظریه‌ها، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه مثبت وجود دارد. و ربا و نای در مطالعه خود در زمینه اثر پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد بر مشارکت آنان در صحنه-سیاست در آمریکا به این نتیجه رسیدند که هرچه افراد به لحاظ اقتصادی-اجتماعی از پایگاه بالاتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنان-هم بیشتر است. به این اعتبار، متغیرهایی مانند میزان سواد، وضعیت خانواده، میزان دسترسی به اطلاعات، محل زندگی، ارتباطات اجتماعی، گروه‌های اولیه و ثانویه، فرهنگ سیاسی محیط، مذهب، وضعیت تأهل، قومیت و غیره از جمله عواملی

هستند که بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند.

موقعیت گروهی افراد نیز از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی است. این موقعیت‌ها که شامل گروه‌های دوستی، خانوادگی، حرف‌ها و غیره می‌شوند شبکه روابط نسبتاً پایداری را می‌سازند که در شکل‌دادن به نگرش و رفتار سیاسی افراد نقش مهمی بازی می‌کنند. در این دیدگاه، انسان‌ها ساخته و پرداخته گروه‌هایی تلقی می‌شوند که در میان آن‌ها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، مردم عادی صرفاً تحت تأثیر آگاهی سیاسی وارد صحنه مشارکت سیاسی نمی‌شوند یا عوامل فردگرایانه مانند تعقل و محاسبه سود و زیان، رفتار سیاسی آنان را مشخص نمی‌کند، بلکه شبکه روابط اجتماعی گروه‌های غیررسمی تعیین‌کننده‌تر هستند. بنا بر نظر هامیلتون، دیدگاه مبتنی بر گروه، تعریف مطلوب‌ها را محصول زندگی گروهی می‌داند و گروه‌های غیررسمی که فرد عضو آن‌هاست، در این فرایند تعیین‌کننده جهت‌گیری‌ها هستند. فرد در این تحلیل‌ها تا حد زیادی محصول گروه تلقی می‌شود؛ بنابراین تعریف، نقش گروه بیشتر حفظ اعضای خود در برابر تبلیغات رسانه‌ای است. «رهبران فکری» تعیین‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد هستند. براین اساس، افراد به واسطه پیوندهای میان فردی و عضویت در گروه‌ها که در بطن آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند و دانش، دیدگاه‌ها و نحوه قضاوت خود را از این گروه‌ها کسب می‌کنند، در برابر پیام رسانه‌ها محافظت می‌شوند. «هاکفلد (۱۹۷۹) و گیلز (۱۹۸۲) نیز نشان می‌دهند که مشارکت فردی در سیاست، تابعی از تعاملات اجتماعی روابط میان فردی در شبکه افراد است. کینی (۱۹۹۲) روشن می‌کند که داشتن دوستانی که مشارکت می‌کنند، افراد را به مشارکت کردن بیشتر علاقه‌مند می‌کند، ضمن آنکه تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که اندازه و گرایش سیاسی شبکه افراد می‌تواند مشارکت انتخابات را پیش‌بینی کند». بنا بر نظر پژوهشگران صاحب‌نظر در مطالعه شبکه بین فردی در ارتباط سیاسی، مردم درک اولیه خود از مسائل را از طریق ارتباط بین فردی بررسی و تشریح می‌کنند. به اعتقاد این دسته از پژوهشگران، این موضوع مشارکت سیاسی را گسترش می‌بخشد؛ چراکه مشارکت سیاسی نیازمند دریافت اطلاعات درباره سیاست است.

مکلود، شفه و موی نیز رابطه گفت‌وگوهای میان فردی و مشارکت سیاسی را تأیید و بیان می‌کنند: «ارتباطات میان فردی به جای اینکه با ارتباطات جمعی رقابت کند، آن‌ها را تقویت می‌کند» و این نقش تقویت‌کننده ارتباطات میان فردی، تأثیر کل رسانه بر کنش اجتماعی را قوی‌تر می‌کند و این تأثیر از طریق مشارکت سیاسی مشخص می‌شود.

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی تبدیل محیط دانشگاه‌ها به محیطی سالم و مساعد برای برگزاری همایش‌ها، بحث‌ها و مناظرات سیاسی و فعالیت تشکل‌های سیاسی.

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی فراهم‌ساختن زمینه‌های برخورداری از بینش و درک سیاسی دانشجویان در قبال سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های جامعه.

● با توجه به اثر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی آموزش فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق رسانه‌ها و آموزه‌های دانشگاهی به منظور ارتقاء سطح آگاهی دانشجویان.

● داشتن برنامه مدون و سازمان‌یافته برای بحث و گفتگو و تبادل نظر میان دولت‌مردان و دانشجویان به منظور افزایش تعامل بین مراکز دانشگاهی و سیاسی.

منابع

- امینی کسبی، حسین و عباس نرگسیان (۱۳۹۴). «تأثیر شخصیت برند سیاسی بر مشارکت سیاسی»، *تحقیقات بازاریابی نوین*، سال پنجم، شماره ۲، ۱۶۲-۱۴۷.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۸). «بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد: دانشجویان دانشگاه قم)»، *کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی*، دانشکده علوم اجتماعی.
- جان، الیور و لارنس پروین (۱۳۹۴). *شخصیت: نظریه و پژوهش*، ترجمه پروین کدیور و محمدجعفر جوادی، چاپ ششم، تهران: آیت.
- حسینی، جعفر و علی محمد میرآقایی (۱۳۹۱). «رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی»، *روانشناسی معاصر*، سال هفتم، شماره ۱، ۷۲-۶۱.
- شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۸۶). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی، چاپ ششم، تهران: ارسباران.
- فرج‌زاده، مهدیه (۱۳۹۳). «نقش شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس آموزش‌های نیمه‌حضور.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۰). «برآورد حجم بهینه نمونه در مدل‌های معادله ساختاری و ارزیابی کفایت آن برای پژوهشگران اجتماعی»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال دوازدهم، شماره ۴، ۱۶۱-۱۳۸.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰). «احزاب سیاسی و هویت ملی تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، *مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۱، ۹۸-۷۳.
- هادی‌نژاد، حسن، مریم طباطباییان و مریم دهقانی (۱۳۹۳). «بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایشی بل»، *روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال بیستم، شماره ۲، ۱۶۹-۱۶۲.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران: سمت.

- of the Indian diaspora in the US”, *World Affairs: The Journal of International Issues*, Vol.22, No.1, 62-79.
- Block, J. & Block, J. H. (2006). “Nursery school personality and political orientation two decades later”, *Journal of Research in Personality*, Vol.40, No.5, 734-749.
- Brandstätter, H. & Opp, K. D. (2014). Personality traits (“Big Five”) and the propensity to political protest: Alternative models, *Political Psychology*, Vol.35, No.4, 515-537.
- Caspi, A. Liviatan, I. & Roccas, S. (2016). “The role of motivational processes in the relationship between national identification and political participation: or1656”, *International Journal of Psychology*, Vol.51, 921.
- Dynes, A. M. Hassell, H. J. & Miles, M. R. (2016). “Personality Traits, Candidate Emergence, and Political Ambition: How Personality Affects Who Represents Us”, In *Annual Meeting of the American Political Science Association*, Philadelphia, PA.
- Gallego, A. & Oberski, D. (2012). “Personality and political participation: The mediation hypothesis”, *Political behavior*, Vol.34, No.3, 425-451.
- Gerber, A. S. Huber, G. A. Doherty, D. & Dowling, C. M. (2011). “The big five personality traits in the political arena”, *Annual Review of Political Science*, Vol.14, 265-287.
- Ha, S. E. Kim, S. & Jo, S. H. (2013). “Personality Traits and Political Participation: Evidence from S outh K orea”, *Political Psychology*, Vol.34, No.4, 511-532.
- Joly, J. K. Hofmans, J. & Loewen, P. (2018). “Personality and party ideology among politicians, A closer look at political elites from Canada and Belgium”, *Frontiers in psychology*, Vol.9, 552.
- Karačić, A. Sturm, A. Waldschmidt, A. & Dins, T. (2017). “Identity and political participation throughout the life course: The experience of persons with disabilities in European countries”, In *Understanding the Lived Experiences of Persons with Disabilities in Nine Countries* (pp.83-101), Routledge.
- Khan, S. S. Hopkins, N. Reicher, S. Tewari, S. Srinivasan, N. & Stevenson, C. (2016). “How collective participation impacts social identity: A longitudinal study from India”, *Political Psychology*, Vol.37, No.3, 309-

325.

- Li, S. & Bell, M. D. (2008). BORRTI journal articles and annotated bibliography, In *Western Psychological Services*, http://portal.wpspublish.com/portal/page?pageid=53,70155&_dad=portal&_schema=PORTAL.
- McCrae, R. R. & Costa Jr, P. T. (2004). "A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory", *Personality and individual differences*, Vol.36, No.3, 587-596.
- Nauta, M. M. (2004). "Self-efficacy as a mediator of the relationships between personality factors and career interests", *Journal of Career Assessment*, Vol.12, No.4, 381-394.
- Page, D. (2018). "When Does Sexuality Based Discrimination Motivate Political Participation?", *Political Psychology*, Vol.39, No.5, 1013-1030.
- Ribeiro, E. A. & Borba, J. (2016). "Personality, political attitudes and participation in protests: The direct and mediated effects of psychological factors on political activism", *Brazilian Political Science Review*, Vol.10, No.3.
- Russo, S. & Amnå, E. (2016). "The personality divide: Do personality traits differentially predict online political engagement?", *Social Science Computer Review*, Vol.34, No.3, 259-277.
- Wang, C. H. & Shalaby, M. M. (2018). "Examining the Relationships between Personality Traits and Political Participation Using the Rational Choice Framework", *台灣政治學刊*, Vol.22, No.1, 187-234.
- Weinschenk, A. C. (2017). "Big five personality traits, political participation, and civic engagement: Evidence from 24 countries", *Social Science Quarterly*, Vol.98, No.5, 1406-1421.
- Zhang, Y. Guizhi, L. U. Liu, Y. & Zhou, Y. (2017). "Mediating effect of self-identity on relationship between interpersonal adaptation and mobile phone addiction tendency in college students", *Chinese Mental Health Journal*, Vol.31, No.7, 568-572.